

تاریخ رشد شهر تبریز

نورالدین عظیمی

عضو هیئت علمی دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

مقدمه

شهر تبریز یکی از چهار شهر بزرگ کشور در حال حاضر و از شهرهای تاریخی و مشهور ایران در دوره‌های مختلف است. به تبعیت از تاریخ پرحادثه این شهر، گسترش و توسعه فیزیکی آن نیز با تغییرات و تحولات زیادی همراه بوده است. به دلیل کمبود منابع و مدارک، تصور جغرافیایی یا فضایی از نحوه رشد و گسترش شهرهای تاریخی کاری مشکل و تنها بر برآورد و فرض مبتنی است. در این مقاله سعی شده تاریخ گسترش شهر تبریز با استناد به منابع و مدارک موجود و با استفاده از امکانات کارتوگرافی کامپیوتری پس از یکسان‌سازی از نظر مقیاس به نوعی به تصویر کشیده شود تا بتوان تغییرات و رشد و توسعه شهر را در دوره‌های مختلف به گونه‌ای تجسم نمود. بر این اساس، توسعه شهر تبریز به تبعیت از دوره‌های مختلف تاریخی در سه دوره: (۱) دوره باستان یا ماقبل اسلام؛ (۲) دوره اسلامی یا ماقبل دوره مدرن؛ (۳) دوره مدرن یا جدید بررسی شده و نقشه محدوده شهر برای پنج مقطع زمانی یعنی قرن هشت قبل از میلاد، قرون یازده، سیزده، نوزده و دوره جدید (۱۹۶۶م) که به ترتیب شامل دوره مادها، سلجوقیان، مغولها، قاجار و دوره جدید است ترسیم و امکانات فیزیکی شهر برای هر دوره تجزیه و تحلیل شده است.

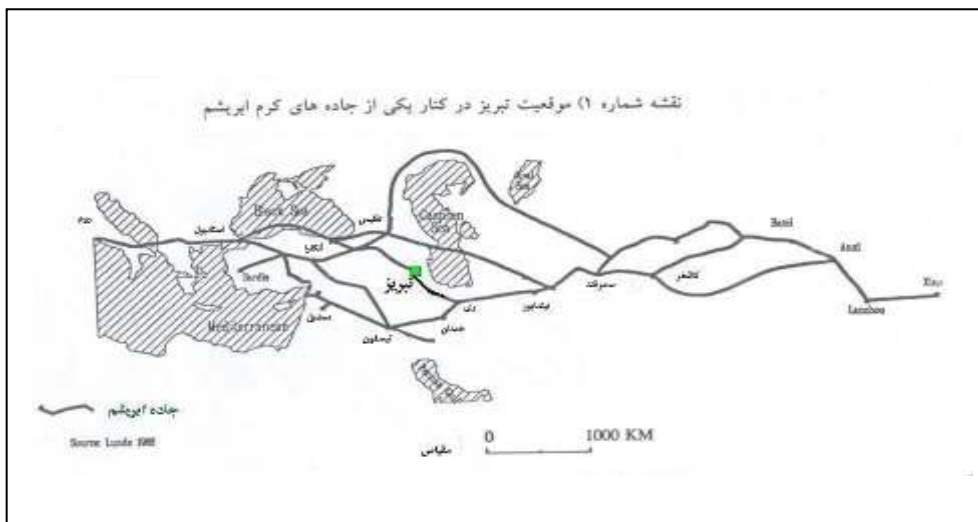
پیدایش و توسعه فیزیکی شهر تبریز در دوره ماقبل اسلام

وضعیت احتمالی شهر تبریز در دوره باستان یا ماقبل اسلامی متأسفانه خیلی روشن و واضح نیست. امکان بررسی تاریخ توسعه شهر تبریز در این دوره، اغلب مبتنی بر فرضیاتی است که آن را برخی مورخان ارائه داده‌اند. از میان این نظریات، یک مورد آن مربوط به هرتسفلد است که در آن، سابقه شهر تبریز به دوره مادها نسبت داده شده است. هرتسفلد بر پایه منابع آسوری معتقد است زمانی که سارگون دوم در جنگ با اوراتورس (Oratours) در اطراف دریاچه ارومیه شهر ایرانی به نام اوشکایا (شهر کنونی اسکو در چهل کیلومتری جنوب تبریز) را در سال ۷۱۴ قبل از میلاد تصرف کرد، شهر یا قلعه دیگری را با دو دیوار و خندقی بر اطراف آن در نزدیکی اسکو به نام تواریر (Tawarir) را تصرف نمود.^۱ به عقیده هرتسفلد به دلیل نزدیک بودن اسکو به تبریز، شهر تواریر به احتمال زیاد همان شهر امروزی تبریز بوده است.^۲ با توجه به اینکه مادها بیشتر در اجتماعات کوچکی به نام ده دژ زندگی می‌کردند اعتقاد بر این است که تبریز یکی از این ده دژها بوده است و وجود محله‌ای به نام مهاد مهین در شهر تبریز شاید از وجود بخش قدیمی متناسب به مادها خبر می‌دهد. موقعیت احتمالی تواریر در کنار رود قوری‌چای در بخش قدیمی تبریز بر پایه نقشه‌ای که سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی در ۱۳۷۲ تهیه کرده است، به وسعت تقریبی ۲۳ هکتار برآورد می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت که عامل اصلی آذربایجان پیدایش تبریز در دوره باستان (قرن هشتم قبل از میلاد) بوده است.

عقیده دوم مربوط به نظریه‌ای است که بنای شهر تبریز را به پادشاه ارمنی به نام خسرو در سال ۲۵۳ میلادی نسبت می‌دهد. وهرام^۳، از مورخان ارمنی فاوست (قرن سوم قبل از میلاد)، آسولیک (قرن یازدهم میلادی) و وارطان (قرن چهاردهم میلادی) نقل می‌کند که نام تبریز از کلمه «دایورج» (Da-i-verg) گرفته شده است که در زبان ارمنی به معنی انتقام است. داستان از این قرار بوده که پادشاه ارمنی به نام خسرو با اردوان، پادشاه ایرانی ارتباط نزدیکی داشته است. در سال ۲۴۳ میلادی اردشیر، وزیر اردوان، در یک توطئه پادشاه را می‌کشد و سلسله ساسانیان را بنا می‌نهد. زمانی که خسرو از این خبر مطلع می‌شود درصدد انتقام از اردشیر برمی‌آید و سرانجام پس

از ده سال جنگ اردشیر را شکست می‌دهد و در محلی که وی جنگ را برده بود دستور ساخت شهری را می‌دهد به نام «دایورج» که پس از گذشت زمان این اسم به تاورز و در نهایت به تبریز تبدیل می‌شود.

علاوه بر دو نظریه بالا، نظر دیگری را هم باید از دلایل احتمالی دیگر بر وجود تبریز در دوره باستان اضافه کرد که ظاهراً در منابع موجود کمتر بدان اشاره شده است و آن وجود نام تبریز در نقشه جاده ابریشم است که در حدود دو هزار سال قبل از شمال ایران نیز می‌گذشته است.^۳ استقرار جغرافیایی شهر تبریز در کنار جاده‌های عمده تجاری شرق-غرب همیشه موقعیت ممتاز مرکز مهم تجاری را در شمال غربی ایران به این شهر بخشیده است. در این خصوص، ما شاهد ظهور شهرهایی چون مرو، نیشابور، سمنان و ری در کنار جاده ابریشم یا دیگر راههای کاروان‌رو در دوره باستان بوده‌ایم (نقشه شماره ۱).



تبریز در دوره مادها یا در اوایل دوره ساسانیان احتمالاً شکل گرفته است اما پس از آن، برای قرن‌ها یا خیلی کوچک مانده یا در دوره ساسانیان از بین رفته است. برای اینکه از قرن سوم تا قرن نهم میلادی ظاهراً اسمی از این شهر در منابع تاریخی برده نشده است. دلایلی که برای از بین رفتن

احتمالی این شهر در دوره باستان می‌توان مطرح نمود یکی حوادث و سوانح طبیعی چون زلزله است، حادثه‌ای که در طی هزار سال گذشته، سبب ویرانی و آسیبهای جدی به این شهر شده است. دوم، از بین رفتن احتمالی این شهر از طریق جنگ است همچنان که این شهر چندین بار در طی حیات خود حتی تا این اواخر، جنگ جهانی دوم، و اشغال بیگانگان تخریب فراوان شده است.

تبریز در دوره اسلامی

اوایل دوره اسلامی

زمانی که اعراب آذربایجان را فتح کردند تبریز یک قلعه کوچک نظامی بیش نبود.^۵ برخی معتقدند که شهر تبریز در دوره اسلامی بنا شده است. فرای^۶ اعتقاد دارد که منصور خلیفه یک گروه از قبیله ساکن یمنی به نام الرواد را در منطقه تبریز سکنا داد. افراد این قبیله پس از ساختن دیواری برای تبریز در داخل آن ساکن شدند. در نقلهای دیگر از جغرافی دانان عرب قرن یازدهم میلادی، یاقوت حموی و حمدالله مستوفی، تبریز را زبیده زن هارون الرشید بنا کرده است. ظاهراً زمانی که زبیده از یک تب شدید در منطقه تبریز به سال ۷۹۱ میلادی رهایی می‌یابد، شهری را بنا کرد و اسم آن را «تبریز» یعنی ریزاننده تب نام نهاد. به نظر لوکارت^۷ تبریز مدتها قبل از زبیده وجود داشته است و او تنها قناتی را برای این شهر ساخت که تا چند دهه قبل باقی مانده بود. دلیل احتمالی دیگر برای رد این نظریه که بنای تبریز را به اعراب منسوب می‌کنند فارسی بودن اسم این شهر است، در حالی که اگر این شهر را اعراب ساخته بودند احتمالاً اسمی عربی می‌داشت. آنچه درباره وضعیت تبریز در اوایل دوره اسلامی می‌توان گفت این است که این شهر تحت تأثیر شهرهایی چون اردبیل و مراغه برای مدتها شهری کوچک باقی ماند.

نزدیکی به روسیه و ترکیه و قرار گرفتن در کنار خط گسل سبب شد تا شهر تبریز حوادث تاریخی دردناکی را در هزار سال گذشته شاهد باشد. در سال ۸۵۸ م این شهر را زلزله از بین برد اما به دستور خلیفه متوکل بازسازی شد. یک قرن بعد جغرافی دان عرب، مقدسی، از تبریز نام می‌برد که شهر بارونق و باشکوهی است و باغات آن را محاصره کرده‌اند. در سال ۹۹۸ م، ابن حوقل



و در سال ۱۰۳۰م ابن مسکویه از آن به عنوان بزرگ‌ترین شهر آذربایجان نام می‌برند. در سال ۱۰۴۱م زلزله مهیبی چهل تا پنجاه هزار نفر تلفات در این شهر برجای می‌نهد و از جمله دیوار شهر، ارک، بازار و بیشتر ساختمانهای حکومتی و مساکن را ویران می‌کند.^۸ اما زمانی که ناصر خسرو چند سال بعد از این شهر دیدن می‌کند آن را شهری ثروتمند و مهم‌تر از شهرهای رقیب یعنی اردبیل و مراغه توصیف می‌کند. به گفته ناصر خسرو در این زمان پنجاه کاروانسرا در شهر تبریز وجود داشت و دیوار گرد آن به طول شش هزار قدم (حدود ۴/۱۶ کیلومتر) بود. بر این اساس، مساحت شهر برای آن زمان در حدود ۱۳۵ هکتار برآورد می‌شود (نقشه شماره ۲).

طغرل فاتح سلجوقی با تصرف شهر تبریز در سال ۱۰۵۴م، یک بار دیگر این شهر تحت الشعاع شهرهای اردبیل و مراغه قرار گرفت ولی بعداً در سال ۱۲۱۳م یاقوت حموی بار دیگر آن را مهم‌ترین شهر آذربایجان توصیف می‌کند. از جمله اقدامات سلجوقیان برای این شهر در طی دو قرن حکومت، ساختن بازار و مسجد جامع بوده که پس از چندین بار بازسازی در مرکز فعلی شهر تبریز باقی هستند.

دوره مغول

یکی از گسترشهای وسیع شهر تبریز در گذشته در دوره مغول و در اواخر قرن سیزده و اوایل قرن چهاردهم میلادی اتفاق افتاد که یکی از دوره‌های موفق برای شهر تبریز محسوب می‌شود. پس از اینکه غازان خان تبریز را پایتخت می‌کند، این شهر مهم‌ترین مرکز اداری امپراتوری می‌شود که از چین تا مصر و از قفقاز تا اقیانوس هند گسترده بوده است. در زمان مغول شهر تبریز بسیار فراتر از محدوده خود در زمان سلجوقی گسترش یافت. از آنجایی که دیوار شهر خیلی کوچک بود غازان خان دستور داد تا دیوار جدیدی بر دور شهر احداث شود. گسترش شهر عمدتاً در جهت شرقی- غربی انجام گرفت و رود قوری چای محور این گسترش گردید. در دو انتهای شهر دو شهرک جدید به اسامی شنب‌غازان در غرب و رشیدیه در شرق بنا شد. اگرچه مساحت ۳۲۰۰ هکتاری که چاندر برای تبریز برآورد کرده است^۹ به نظر می‌رسد اغراق‌آمیز باشد ولی براساس

برآورد فرضی محدوده شهر طبق نقشه سازمان مسکن و شهرسازی، وسعت شهر تبریز برای دوره مغول در حدود ۱۲۶۵ هکتار با دیواری به طول تقریبی پانزده کیلومتر برآورد می‌شود.

غازان‌خان کاروانسراها، بازارها، حمامهای جدید و ساختمانهای باشکوه زیادی در دروازه‌های ورودی شهر بنا نمود. وی همچنین آرامگاهی را برای خود در حومه جدید شنب احداث کرد و رصدخانه‌ای را به تقلید از رصد مشهور هولاکو در مراغه و مدارس و کتابخانه‌هایی را برای جذب دانشمندان از همه نقاط امپراتوری خویش در تبریز بنا کرد.

رشیدالدین، وزیر غازان‌خان، با ساخت شهرک حومه‌ای رشیدیه در سمت شرقی تبریز در توسعه و گسترش این شهر نقش به‌سزایی داشت. او در این شهرک، دانشگاهی را بنا کرد که در آن چهارصد نفر معلم به تربیت هفت‌هزار دانشجو مشغول بودند. او همچنین در این شهر بیمارستانی را با پنجاه پزشک حاذق از هند، چین، مصر و سوریه احداث کرد. شهرک رشیدیه همچنین دارای سی‌هزار خانه، ۱۵۰۰ مغازه، کتابخانه‌ای بزرگ، ۲۴ کاروانسرا، باغهای زیبا، کارگاههای رنگرزی، کاغذسازی، داروخانه و حمامهای عمومی و چندین قنات بود.



رقیب رشیدالدین، تاج‌الدین علیشاه، شروع به ساختن مسجدی عظیم به نام «مسجد علیشاه» در تبریز نمود که بعدها به ارگ علیشاه معروف شد. از آنجایی که این مسجد خیلی زود ساخته شد گنبد عظیم آن پس از چند سال فرو ریخت. امروزه تنها دیواری بیش از این بنای عظیم در مرکز شهر تبریز به‌جا نمانده است. چاندر جمعیت تبریز را در دوره مغول ۱۲۵۰۰۰ نفر برآورد نموده است که به‌نظر می‌رسد با توجه به گسترش زیاد شهر در این دوره، ساخت دو شهرک در حومه احتمالاً کمتر تخمین زده شده است.

در سال ۱۳۱۳م با انتقال پایتخت از تبریز به سلطانیة زنجان در زمان الجایتو، توسعه شهر تبریز به‌کندی گرایید و پس از سقوط مغولها در سال ۱۳۳۶م، تبریز برای حدود نیم قرن صحنة

درگیریهای قومی بین جلایریان و چوپانیان بود. در دوره جلایریان و چوپانیان برخی بناهای مهم مانند مسجد استاد و شاگرد و آرامگاه دمشقیه در تبریز احداث شد، ولی پس از اینکه تبریز را تیمور اشغال کرد در سال ۱۳۸۶م و پسر خود میرانشاه را در آنجا گمارد، ساختمانهای زیادی تخریب شد.

پس از مرگ تیمور در سال ۱۴۰۲م، تبریز یک بار دیگر در سال ۱۴۱۸م به دست قرقویونلوها افتاد و در سال ۱۴۳۷م جهانشاه قره قویونلوها با انتخاب تبریز به عنوان پایتخت، مسجد معروف به «مسجد کبود» را در سال ۱۴۴۵ بنا کرد. در سال ۱۴۶۷م با غلبه اوزون حسن بر قرقویونلوها و انتخاب مجدد تبریز به عنوان پایتخت تا سال ۱۵۰۰م بر این شهر حکومت کردند. در زمان آق قویونلوها برای اولین بار با اروپا از جمله حکومت ونیز رابطه برقرار شد. مشارکت اوزون حسن در توسعه شهر تبریز ساخت بازار قیصریه است.^{۱۰}

تبریز در دوره صفویه

زمانی که شاه اسماعیل در سال ۱۵۰۱م در شهر تبریز تاجگذاری کرد این شهر در حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت.^{۱۱} اما از آن زمان تا حدود دو قرن بعد تبریز صحنه جنگهایی بین ایران و امپراتوری عثمانی بود. پیامد جنگهای ایران و عثمانی و اشغال تبریز که سلطان سلیم در سال ۱۵۱۴م پس از چند روز مجبور به تخلیه آن شد و انتقال پایتخت به قزوین در سال ۱۵۴۸م و اشغال مجدد تبریز در سال ۱۵۸۴م به دست عثمانیها، ساختار فیزیکی شهر تبریز آسیبهای زیادی را متحمل شد. پس از پیروزی غرورانگیز شاه عباس بر عثمانیها در سال ۱۶۰۰م، وی از طریق ایجاد قلعه‌هایی، استحکامات دفاعی شهر را تقویت نمود و مجموعه رشیدیه راه، که تخریب شده بود، بازسازی کرد.^{۱۲} در زمان شاه عباس، شهر تبریز به بزرگترین مرکز تجارت ایران تبدیل گشت به طوری که اکثر مبادلات ایران با ترکیه و اروپا از این شهر انجام می‌شد. اولیا چلبی^{۱۳} که در سال ۱۶۳۹م از این شهر دیدن نموده است از وجود ۲۷۰ کاروانسرا، ۳۲۰ مسجد، ۴۷ مدرسه، ۴۰ کلیسا و گذرهای تمیز بسیار در تبریز خبر می‌دهد. در سال ۱۶۴۱م، تبریز با زلزله شدید دیگری مواجه شد اما زمانی که شاردن^{۱۴} در سال ۱۵۷۰م از این شهر دیدن می‌کند آن را دومین شهر بزرگ ایران

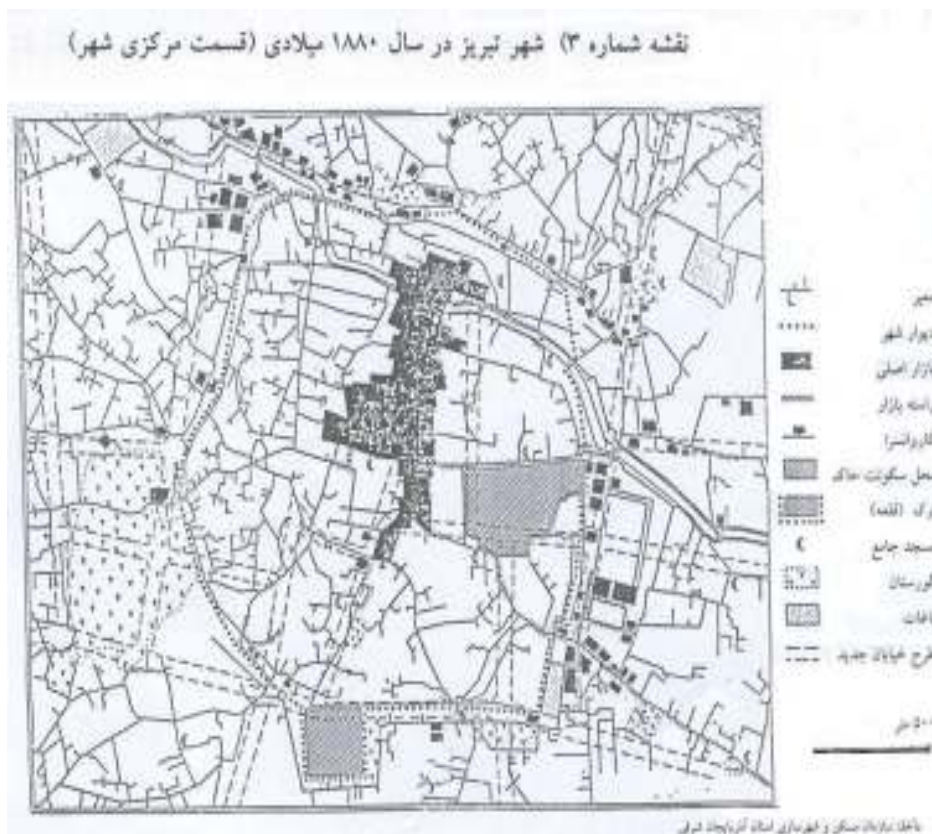


توصیف می‌کند. بر این اساس، جمعیتی در حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر داشته و ۲۵۰ مسجد و ۳۰۰ کاروانسرا داشته است.^{۱۵}

جنگها و حوادث طبیعی متعدد در قرن هجده به تخریب و افت شدید تبریز منجر شد به طوری که این شهر از یک شهر بزرگ در قرون شانزدهم و هفدهم به شهری کوچک در قرن هجدهم مبدل گردید، زلزله سال ۱۷۲۱م، درست قبل از حمله ترکها و روسها به این شهر سبب تلفات هشتاد هزار نفر از ساکنان شهر و تخریب بسیاری از ساختمانها و دیوار شهر گردید. به علت اشغال شش ساله عثمانیها در تبریز در سالهای ۱۷۳۰-۱۷۲۴ و همچنین طاعون در سالهای ۱۷۳۸-۱۷۳۷م و زلزله دیگر در سال ۱۷۸۰م، جمعیت تبریز شدیداً کاهش یافت و بسیاری از خانهها و شهر کوچک شد. جمعیت تبریز با آن ابهت خود در سال ۱۷۳۰م به سی هزار نفر و در سال ۱۸۰۶م به چهل هزار نفر کاهش یافت. لوکارت به نقل از پیر ژوبر^{۱۶} دیپلمات فرانسوی که در سال ۱۸۰۶م و جیمز موریر^{۱۷} که بعد از وی از تبریز دیدن کرده بودند، آن را یک شهر پنجاه هزار نفری با ساختمانهای مخروبه بسیار در اطراف شهر موجود نقل می‌کند.^{۱۸}

تبریز در قرن نوزدهم

با انتخاب شهر تبریز که در دوره قاجار ولیعهدنشین شد تبریز دومین شهر مهم کشور محسوب گردید. با توسعه تدریجی روابط تجاری با اروپا و روسیه در قرن نوزده و با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی مناسب در سر راه ایران به اروپا و به‌رغم کشتارهای ناشی از وبا و طاعون، شهر تبریز به تدریج اهمیت خود را در ساختار شهری ایران به دست آورد به طوری که جمعیت آن در سالهای اواخر قرن نوزدهم به حدود دویست هزار نفر بالغ گردید.^{۱۹} در این دوره، اکثر ساختمانهای اداری در قسمت مرکزی شهر و در اطراف بازار متمرکز شده بود. (نقشه شماره ۳). در سال ۱۸۸۰م تبریز مشکل از بیست محله بود که هرکدام از چند واحد همسایگی به نام «برزن» تشکیل می‌شدند.



تبریز در دوره جدید

بیشتر محققان دوره جدید را در تحولات شهری در کشور ما مقارن با روی کار آمدن رضاشاه در اوایل قرن حاضر می‌دانند.^{۲۰} دوره‌ای که تحولات قابل ملاحظه‌ای را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و تکنولوژیکی در حیات شهری تا به امروز به همراه داشته است. در اوایل دوره جدید، شهر تبریز حدود دویست هزار نفر جمعیت داشت که هم اندازه جمعیت شهر تهران بود ولی با کاهش روابط تجاری ایران با روسیه پس از سال ۱۹۲۰م و انتقال منافع تجاری به حوزه‌های نفتی جنوب توسعه شهر تبریز در مقایسه با میانگین نرخ رشد شهری کشور و بخصوص تهران به‌کندی پیش رفت. به‌گونه‌ای که در مقابل متوسط نرخ رشد ۱/۶ درصدی جمعیت شهری کشور در دوره



۱۹۵۶-۱۹۰۰م، جمعیت تبریز تنها با ۰/۱۶ درصد رشد مواجه شد اما در این دوره، شهر تهران با متوسط نرخ رشد سالیانه ۲/۵۲ درصد روبه‌رو بود.^{۲۱}

برای رشد پایین شهر تبریز سه دلیل عمده می‌توان مطرح نمود:

اول به دلیل سابقه جنگها و اشغال‌شدنهای متعددی که دولتهای روسیه و عثمانی انجام دادند این شهر محلی امن برای سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌شد و در نتیجه، صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را از این شهر به بیرون از جمله تهران منتقل کردند.^{۲۲}

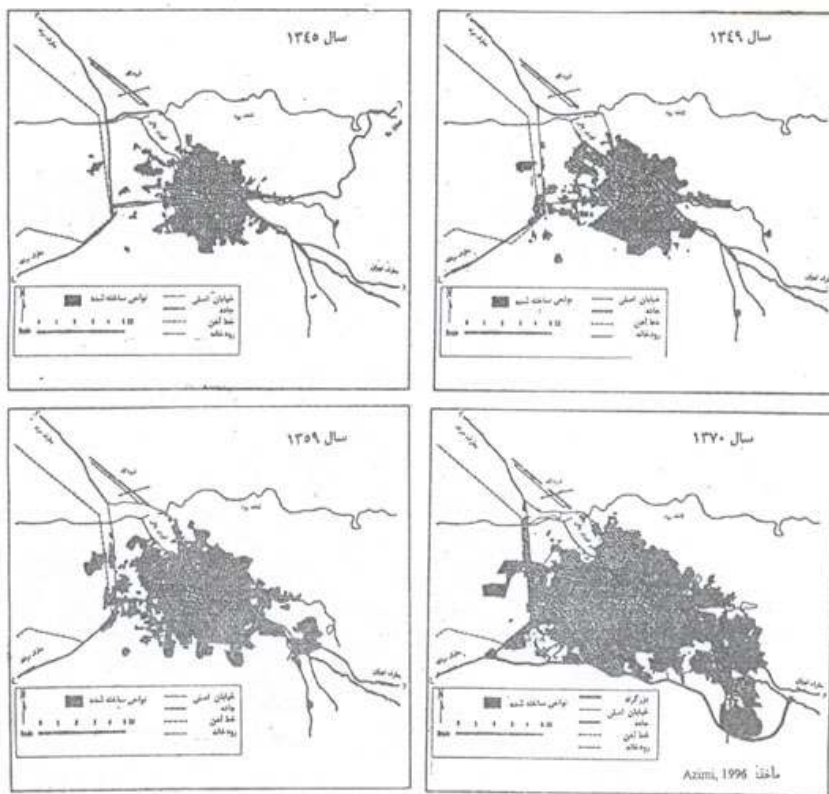
دوم اینکه، تبریز به دلیل نزدیکی به روسیه و ترکیه رابطه فرهنگی خوبی با این کشورها داشت و به همین خاطر، از نظر سیاسی دارای گروههای سیاسی رادیکال و نه چندان موافق با دولت مرکزی بود. به همین خاطر کمتر مورد توجه دولت مرکزی برای سرمایه‌گذاری قرار گرفت. سوم، تبریز برای مدتها به خاطر نقش اصلی خود که نقطه بزرگ ارتباط تجاری بین ایران و اروپا و محل ذخیره کالاهای تجاری بود بهره خوبی داشت. ولی توسعه حمل و نقل دریایی و ایجاد بنادر جدید ارتباطی همچون بنادر خرمشهر، آبادان و بندرعباس در جنوب خیلی از این منافع تجاری را به بنادر جنوب منتقل کرد.^{۲۳} بنا به این دلایل شهر تبریز در نیمه اول قرن حاضر حتی با مهاجرت مواجه شد.

به‌رغم رشد اندک جمعیت در نیمه اول قرن بیستم، شهر تبریز شاهد یک سری تغییرات و توسعه فیزیکی بود. این تغییرات عمدتاً شامل تعریض خیابانهای اصلی از جمله خیابان سرتاسری شرق به غرب، ساخت راه‌آهن و ایستگاه راه‌آهن در غرب شهر بود که ارتباط تبریز را با روسیه و تهران برقرار نمود، ساخت فرودگاه در شمال شهر، احداث جاده‌های ترانزیت تبریز-مراغه و تبریز-مرند در زمینهای موجود بین شهرها، ایستگاه راه‌آهن، فرودگاه و محورهای ترانزیتی فضای مناسبی را برای استقرار فعالیتهای صنعتی و توسعه شهر به طرف غرب شهر فراهم نمود.

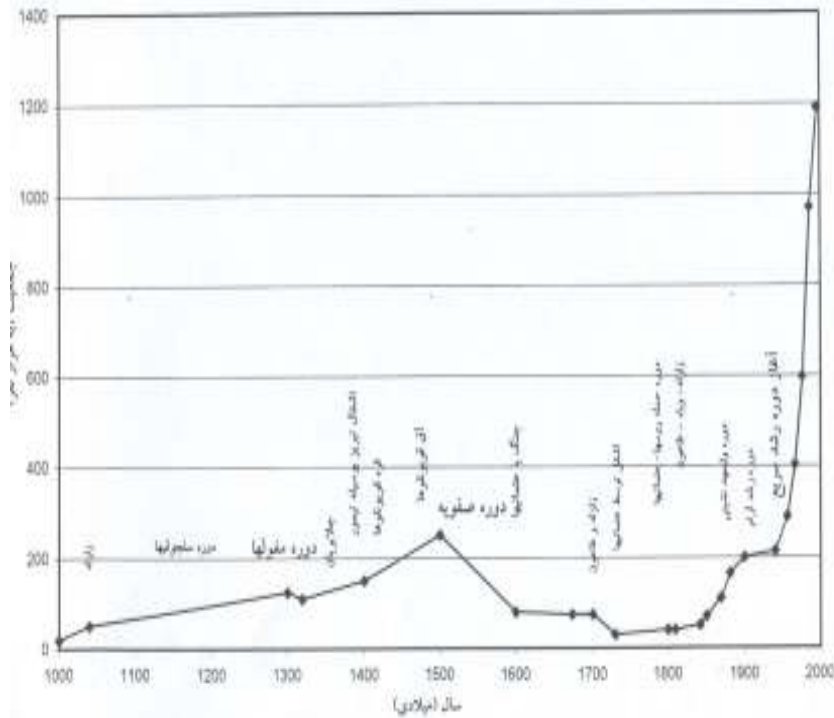
نیمه قرن بیستم تبریز رشد قابل ملاحظه‌ای را از نظر فیزیکی شاهد بوده است به طوری که جمعیت این شهر از ۲۸۹۹۹۶ نفر در سال ۱۹۵۶م به ۱۱۹۱۰۴۳ نفر در سال ۱۹۹۶م رسید. در این چهل سال شهر تبریز با متوسط نرخ رشد سالیانه ۳/۶ درصد روبه‌رو بوده است. اطلاعات موجود راجع به وسعت شهر بیانگر این است که سطح محدوده ساخته شده تبریز از ۲۱۲۷ هکتار در سال

۱۹۶۶م به ۷۹۶۵ هکتار در سال ۱۹۹۱م افزایش یافته است.^{۲۴} روند سالهای اخیر که رشد بسیار چشمگیری را از گذشته شاهد بوده نیاز به تحلیل جداگانه‌ای دارد (شکل شماره ۴). تغییرات جمعیتی شهر تبریز در کلیه دوره‌های مورد بحث از حدود یک هزار سال قبل در شکل شماره ۵ نشان داده شده است.

شکل شماره ۴ (تغییر محدوده شهر تبریز از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰



شکل شماره ۵- تغییرات جمعیت تبریز در هزار سال گذشته



نتیجه گیری

در این مقاله سعی شده است با استفاده از منابع موجود مراحل مختلف توسعه و رشد شهر تبریز در دوره‌های مختلفی تاریخی در قالب نقشه نشان داده شود. نویسنده این مقاله همچنین تلاش می‌کند تا عوامل مختلف دخیل در مراحل مختلف رشد شهر را به همراه برخی از ویژگیهای فیزیکی و عناصر شهری آن مورد بررسی قرار دهد. نتایج این مطالعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- موقعیت مناسب جغرافیایی شهر تبریز در مرکز آذربایجان و قرار گرفتن آن در سر راه مهم ارتباطی ایران-اروپا شرایطی را برای این شهر فراهم کرده است تا مرکز مهم اقتصادی و اداری در سطح منطقه و کشور برای یک دوره طولانی تاریخی باشد. این موضوع احتمالاً از دلایل اصلی

پیدایش این شهر و ادامه حیات آن به‌رغم حوادث دردناک متعدد بوده است. به دلیل موقعیت شهر تبریز که در نزدیکی کشورهای روسیه و ترکیه است، تاریخ این شهر تا حدود زیادی با مسائل سیاسی گره خورده به‌گونه‌ای که رشد یا عدم رشد آن با تصمیمات سیاسی رابطه داشته است.

- به‌رغم وجود فرضیاتی مبنی بر پیدایش شهر تبریز در دوره باستان، هیچ‌گونه آثاری که دلالت بر دوره‌های قبل از اسلام نماید در این شهر مشاهده نمی‌شود و ساختار فیزیکی شهر تبریز به طور کلی در دوره اسلامی بخصوص از قرن یازده میلادی به این طرف شکل گرفته است. این ساختار به‌رغم گسترش زیاد شهر در دوره‌های جدید هنوز در بخش قدیمی شهر و در محلات مرکزی بخصوص در اطراف بازار قابل مشاهده است. متأسفانه به دلیل حوادث تاریخی متعدد نظیر زلزله یا جنگ اکثر عناصر شهری تاریخی تبریز از بین رفته است و تنها در معدود مواردی بخشهایی از این آثار به‌جای مانده که بعضاً مرمت شده یا به حالت فرسوده باقی مانده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. هرتسفلد، ارنست، *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*.
۲. تقوی‌نژاد، محمدرضا، *معماری و شهرنشینی در تاریخ باستان*.
۳. وهرام، مجید، «جغرافیای تاریخی تبریز»، ص ۲۳۰-۱۸۹.
4. Lockhart, Laurance, *Persian Cities*, London, luzac and co.
۵. وزارت مسکن و شهرسازی، طرح جامع (دوم) شهر تبریز.
6. Frye, Richard, *Iran from the earliest time to Islamic conquest*, Penguin Books, 1954.
7. Lockhart, Ibid.
8. Ibid.
8. Chander, Tertitus, *Four Thousands years of urban growth, a historical census*, St. Davids University Press, 1987.
10. Lockhart, Ibid.
11. Chander, Ibid.
12. Lockhart, Ibid.
۱۳. اولیا چلبی، *سفرنامه اولیا*، ترجمه و تلخیص حاج حسن نخجوانی.
14. Chardin, Ibid.
۱۵. شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*.
16. Jubert, Pierre-Amadee.
17. Morier, James.
۱۸. حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمودرضا حائری، *شهرنشینی در ایران*.
19. Bharier, Julian, *the growth of towns and village ni Iran 1900-1966*, p. 5-62.
۲۰. حسامیان، همان.
21. Azimi, Nooreddin, *Recent urban growth and change in the spatial structure of Iranian cities, the case of Tabriz*.



۲۲. فرید، یدالله، *جغرافیا و شهرشناسی*، همو، روش تحقیق شهر و روستا.
 ۲۳. عظیمی، نورالدین، *تغییرات ساختار شهری در تبریز*، ص ۱-۲۴.
 ۲۴. وزارت مسکن و شهرسازی، *طرح جامع (اول) شهر تبریز*، و *طرح جامع (دوم) شهر تبریز*.

منابع

- تقوی نژاد، محمدرضا، *معماری و شهرنشینی در تاریخ باستان*، انتشارات فرهنگسرای یساوولی، تهران، ۱۳۶۳.
 - چلبی، اولیا، *سفرنامه اولیا*، ترجمه و تلخیص حاج حسن نخجوانی، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، شماره ۳، ۱۳۳۸.
 - حسامیان، فرخ؛ گیتی اعتماد و محمودرضا حائری، *شهرنشینی در ایران*، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.
 - سلطانزاده، حسین، *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، نشر نی، ۱۳۶۵.
 - شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۵.
 - عظیمی، نورالدین، *تغییرات ساختار شهری در تبریز*، فضای جغرافیایی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰.
 - فرید، یدالله، *جغرافیا و شهرشناسی*، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
 - فرید، یدالله، روش تحقیق شهر و روستا، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱.
 - قبادیانی بلخی، ناصر خسرو، *سفرنامه ناصر خسرو*، به کوشش نادر وزین پور، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.
 - مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری کشور*، ۱۳۸۰.
 - وزارت مسکن و شهرسازی، *طرح جامع (اول) شهر تبریز*، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۴۸.
 - وزارت مسکن و شهرسازی، *طرح جامع (دوم) شهر تبریز*، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۷۱.
 - وهرام، مجید، *جغرافیای تاریخی تبریز*، در مجله مطالعات تاریخی، شماره ۴، تهران، ۱۳۴۹.
 - هرتفسلد، ارنست، *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان شناسی*، ترجمه علی اصغر حکمت، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۴.
 - Azimi, Nooreddin, *Recent urban growth and change in the spatial structure of Iranian cities: the case of Tabriz*, Ph.D. dissertation, university of Ottawa, 1996.
 - Bharier, Julian, *The growth of towns and villages in Iran 1900-1966*, in Middle Eastern Studies, Vol. 8, 1972.
 - Chander, Tertitus, *Four thousands years of urban growth*, a historical census, St. Davids University Press, 1987.
 - Fisher, W. B., *The Cambridge history of Iran*. Vol. 1. Cambridge University Press, 1968.
 - Frye, Richard, *Iran from the earliest time to Islamic conquest*, Penguin Books, 1954.
 - Lockhart, Laurance, *Persian Cities*, London, luzac and co., 1960.
 - Lunde, Paul, *The Quenn and silkworm*, in Aramco World, July- August Vol. 39, N0.4, 1988.